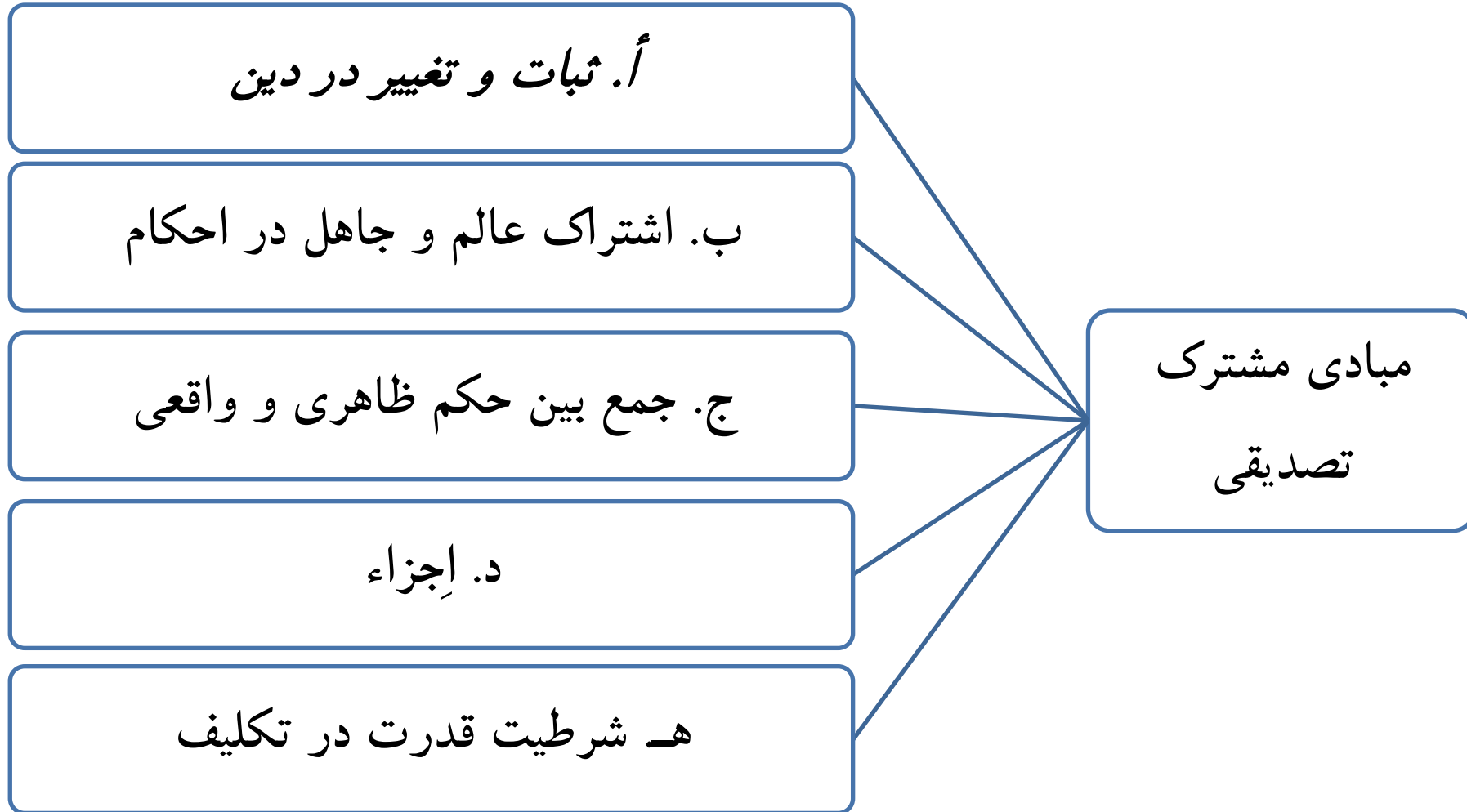


علم اصول الفقه

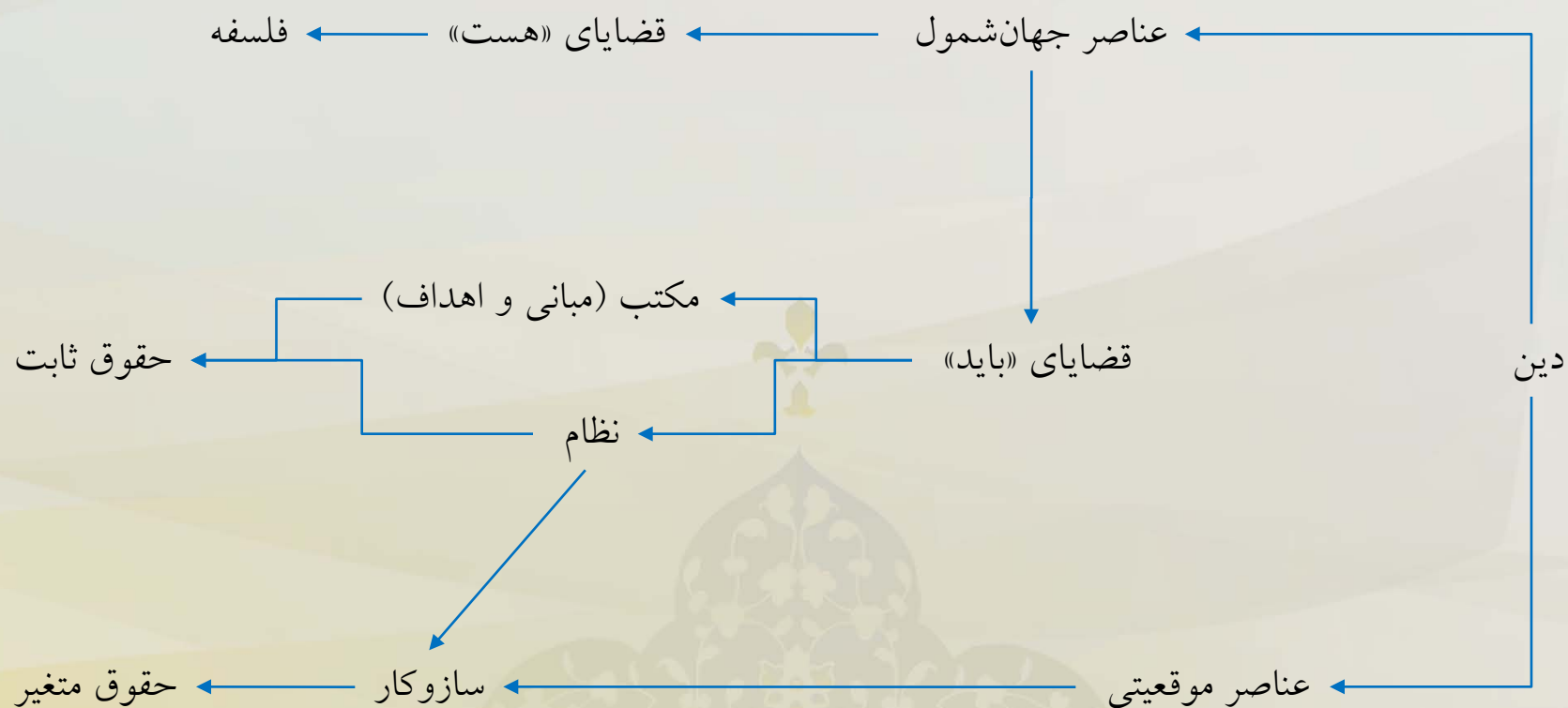
١٥

٩٠-٢-٢٦ تعريف علم اصول فقه

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني



بنابراین، ما در هر ساحت از حیات بشر با چهار گروه از عناصر جهان شمول: فلسفه، مکتب، نظام و حقوق مواجه هستیم، که بین آنها ارتباط مستحکم و منطقی وجود دارد.



- فلسفه و مکتب (اهداف و مبانی) یک سری مفاهیم هستند، اما نظام چیزی است که باید در جامعه عینیت پیدا کند. نظامی که اسلام معرفی می‌کند مربوط به زمان و مکان خاصی نیست. چه اقتصاد، اقتصاد پشم و شتر باشد، چه اقتصاد دیجیتال؛ چه اسلام سال پنجم هجری و در جزیره العرب باشد و چه اسلام سال ۱۴۲۰ در ایران، نظام در همه‌ی اینها یکی است، اما عینیت خارجی-اش فرق می‌کند. ما اسم این عینیت خارجی را سازوکار می‌گذاریم.

- سازوکار یک ارتباط کاملاً منطقی با نظام دارد. سازوکار همان عناصر نظام است که در شرایط خاص پیاده شده است. بنابراین مثلاً در زمینه‌ی اقتصاد، اگر فلسفه و مکتب را درست فهمیده و در کشف دین خطا نکرده باشیم، فلسفه، مکتب و نظام اقتصادی در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها یکی است. اما سازوکار اقتصادی ممکن است، در هر دوره‌ای با دوره‌ی دیگر فرق کند. زیرا در سازوکار مجموعه‌ی شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... دخالت دارند.

- سازوکاری که در یک زمان با توجه به ابزار موجود در آن دوره و موقعیت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی، قابل اجراست، در زمان دیگر با موقعیت و ابزارهای دیگر، قابل اجرا نیست. اقتصادی که رسول اکرم صلی الله علیه وآله در مدینه، در سال پنجم هجری پیاده نمود با اقتصادی که ما در ایران در سال ۱۴۲۰ هـ ق پیاده می‌کنیم (البته اگر درست کشف کنیم و در کشف و استنباط خطا نکنیم)، باید در فلسفه و مکتب و نظام یکی باشند، اما در عینیت خارجی، ممکن است متفاوت باشند؛ چون شرایط آن زمان با زمان ما فرق دارد.

- بسیاری خطاهایی که امروزه در بعضی مسایل پیدا می‌شود، ناشی از همین عدم تفکیک مفاهیم است. مثلاً زمانی در دادگاه‌ها، دادستانی را حذف کردند، چه گمان می‌شد با حذف دادستانی که در زمان صدر اسلام وجود نداشت، دادگاه، اسلامی می‌شود.

- اما باید توجه کنیم که آیا دادستانی واقعاً مربوط به عناصر نظام قضایی اسلام است یا یکی از عناصر سازوکار است؟ شاید در آن زمان وجود چنین سازوکاری ضرورت نداشته اما در شرایط فعلی، وجود آن لازم باشد.

- دست-یابی به صحت و سقم چنین مواردی، نیازمند استخراج صحیح نظام و اهداف اسلام در تمامی زمینه-ها است. در پی این جست-وجو است که در می‌یابیم چه چیزهایی باید باشد و چه چیزهایی تابع شرایط است که ممکن است در شکل‌های مختلف تفاوت پیدا کند.

- لازم به ذکر است که با توضیح مفاهیم فلسفه، مکتب، نظام و سازو کار در نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در واقع به جواب پرسش خود در زمینه‌ی عناصر ثابت و متغیر در دین دست می‌یابیم. دین خاتم اگر چه برای زمان و مکان خاصی نازل نشده و طبیعت عناصرش اقتضا می‌کند که ثابت و جهان شمول باشد، ولی چون در یک شرایط خاص تطبیق می‌شود و عینیت می‌یابد، بعضی عناصر موقعیتی در آن راه می‌یابند. و این هرگز به معنای عدم وجود عناصر ثابت و جهان شمول در همان دوره و شرایط خاص نیست.

- به عبارت دیگر در هر زمان مجموعه‌ای از عناصر متغیر و ثابت وجود دارند. برخی عناصر در همه‌ی شرایط قابل تطبیق-اند، بدون این که شرایط خاصی در آنها تأثیر بگذارند و برخی دیگر خیر. مثلاً وجود یک معصوم یا فقیه (به نیابت از معصوم) در رأس حکومت اسلامی، یک اصل ثابت است اما این که معصوم یا فقیهی که از سوی او نیابت دارد، به چه شکل حکومت خود را سامان می‌دهد، تابع شرایط و موقعیت خاص است.

- در حکومت حضرت علی علیه السلام شاهد تفکیک قوا نیستیم و قوای مقننه، مجریه و قضائیه در هم ادغام شده‌اند. چه بسا کسی که برای امارت جایی فرستاده می‌شد، به قانون گذاری، اجرای قانون و قضاوت می‌پرداخت و همه‌ی کارها را با هم انجام می‌داد. البته حضرت، قضاتی هم داشتند که فقط به کار قضاوت مشغول بودند، اما در ساختار حکومت حضرت علی علیه السلام تفکیک قوا به صورتی که در قانون اساسی ایران پیش بینی شده، نبوده است.

- در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بخش‌هایی مربوط به عناصر ثابت دینی است که هیچ ارتباطی به شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ندارد و بخش‌هایی هم به شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران یعنی زمان و مکان خاص ارتباط دارد. وجود یک فقیه در رأس امور از عناصر ثابت است، اما ساختار حکومتی که در شرایط فعلی برای ولی فقیه در نظر گرفته می‌شود، از عناصر متغیر می‌باشد.

- در قانون اساسی، رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود و حکمش توسط رهبر تأیید می گردد. اما رئیس قوه قضائیه با نصب مستقیم رهبر منصوب می شود. نحوه انتخاب این دو از عناصر ثابت دینی نیست. اگر خلاف آن پیش بینی می شد و قانون نصب رئیس جمهور را از وظایف خاص رهبر می شمرد و تعیین رئیس قوه قضائیه را به رأی مردم واگذار می کرد، به لحاظ شرعی فرق نمی کرد، اما به لحاظ مصالح فرق داشت.

- مصلحت اقتضا می‌کند که رئیس قوه‌ی مجریه توسط مردم انتخاب شود و رئیس قوه‌ی قضائیه توسط رهبر. در آن سو، حمایت مردم در اجرا نقش به‌سزایی ایفا می‌کند و رأی مستقیم آنها به رئیس جمهور برای احساس حضور بیشتر، یک امر مثبت و یک مصلحت تلقی می‌شود و در این سو، حفظ استقلال قوه‌ی قضائیه و این که انتخاب رهبر در حفظ استقلال مؤثرتر است، یک امر مثبت و یک مصلحت به حساب می‌آید.

- در انتخاب نمایندگان مجلس توسط مردم و انتخاب رئیس مجلس توسط نمایندگان نیز همین گونه است. همه و همه‌ی اینها به علت شرایط خاصی است که در آن زندگی می‌کنیم. ممکن است در شرایط دیگر، شکل مؤثرتر و کارآمدتری، ما را به هدفمان نزدیک‌تر سازد.

- اصل اندیشه‌ی وجود عناصر ثابت و متغیر در یک زمان، در فقه ما تحت عنوان قوانین الهی و قوانین ولایی تبیین شده است. مراد فقها از احکام و قوانین الهی، احکام ثابت و مقصودشان از احکام و قوانین ولایی، عناصر و احکام متغیر بوده است. آنها به نحوی از انحاء در آثار خود به بحث ثابت و متغیر اشاره کرده‌اند اما مصطلحات جدید با تعابیری که ما هم در نظریه اندیشه‌ی مدون به کار گرفتیم (یعنی ثابت و متغیر)، در بحث‌های متأخر توسط افرادی چون شهید مطهری، شهید صدر و حضرت امام دیده می‌شود.

- بحث ثبات و تغییر در دین یک مبنای انسان شناختی نیز دارد که شهید مطهری به آن اشاره می‌کند. انسان یک بعد ثابتی دارد و یک بعد متغیر. احکام ثابت ناظر به بعد ثابت انسان و احکام متغیر ناظر به بعد متغیر انسان است. به عبارت دیگر نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام بر این مبنای انسان شناختی استوار است.

- آنچه از بحث ثابت و متغیر در اینجا تحت عنوان مبادی مشترک تصدیقی بیان می‌کنیم، فقط برای اثبات وجود این دو عنصر در عناصر دینی و نحوه‌ی وجود آنها است. اما این که چگونه ثابت‌ها را از متغیرها تمییز می‌دهیم، نیاز به بحث دیگری دارد که در متدولوژی و روش‌شناسی به آن خواهیم پرداخت.

- سید کاظم صدر در کتاب اقتصاد صدر اسلام، سعی کرده اقتصادی را که پیامبر بنیان نهاده، ترسیم و شاخص‌های اقتصاد را بیان کند. کتاب ایشان در واقع بیانگر سازوکار اقتصادی صدر اسلام است.

- این کتاب با این که نشان دهنده‌ی زحمت فراوان مؤلف آن است اما در بعضی قسمت‌ها از حیث منابع جای دقت دارد. پدر سید کاظم صدر از علما است اما خود سید کاظم صدر چندان به تحصیل دروس طلبگی نپرداخته است.
- برای مطالعه در این زمینه ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، باورها و پرسش‌ها.

احکام و قوانین شرعی

- در کنار مجموعه‌ی ترسیم شده در نظریه اندیشه‌ی مدون در اسلام (یعنی فلسفه، مکتب و نظام) یک سری احکام و قوانین در اسلام وجود دارد که در واقع تجلی عینی همین مفاهیم می‌باشد.

احکام و قوانین شرعی

- به عبارت دیگر نظام و سازوکار، در عینیت خارجی در پرتو قانون پیدا می‌شوند. قانون، مکتب و نظام و سازوکار را در جامعه عینیت می‌بخشد. آنچه در جامعه می‌خواهد تحقق عینی یابد و جامعه‌ی عمل پیوشد، به حکم و قانون تبدیل می‌شود. قوانین اسلامی بر اساس همان فلسفه، مکتب و نظام شکل گرفته‌اند.

احکام و قوانین شرعی

- وقتی مثلاً اسلام مالکیت را بپذیرد، بر اساس آن قوانین و احکامی پیدا می‌شود. یا وقتی اسلام خواهان فاصله‌ای معقول بین فقیر و غنی باشد، در حکم، اثر خویش را نشان می‌دهد. در پی همین هدف، پرداخت زکات، خمس و مالیات‌های مختلف، به عنوان یک حکم و قانون جلوه‌گر می‌شوند. یا وقتی اسلام آزادی اقتصادی را قبول کند، یک سری آثار حقوقی پیدا می‌شود. کل قراردادهایی که در کتاب‌های فقهی مثلاً در بیع شیخ انصاری طرح شده، بر اساس آزادی و اراده در حقوق است. این قراردادها و آثار آنها در همان نظام اقتصادی اسلام شکل گرفته‌اند.

احکام و قوانین شرعی

- این قوانین اگر چه دانه دانه جزئی هستند، ولی به هم مرتبطند. یعنی ممکن است در یک نگاه ابتدایی، دانه‌هایی بی-ارتباط به هم به نظر آیند، اما کسی که این قوانین را وضع کرده، به ارتباط بین این دانه‌ها توجه داشته است. اگر با این دید به احکام و قوانین بنگریم، یعنی آنها را دانه‌هایی مرتبط به هم بدانیم، می‌توانیم ناهماهنگی‌های بین آنها را کشف کنیم و اشتباهات موجود در نقل‌ها را به دست آوریم.

احکام و قوانین شرعی

- از آنجا که مکتب و نظام ثابتند، قوانینی که از مکتب و نظام برخاسته، ثابت است. اما چون سازوکار، امری متغیر است، احکام و قوانینی که از سازوکار برمی خیزد، متغیر خواهد بود. به عبارت دیگر نظام و سازوکار، هر یک با خود احکام و قوانینی ایجاد می کنند. احکام و قوانین نظام به شرایط و موقعیت خاص ارتباط ندارد، از این رو ثابت و جهان شمول است، اما احکام و قوانین سازوکار به شرایط خاص مرتبط است، پس متغیر و موقعیتی خواهد بود.

احکام و قوانین شرعی

- احکام و قوانین شرعی امری است که در فقه مصطلح و متعارف مورد بحث قرار می‌گیرد.

تحقق نظام و سازوکار

- تحقق نظام و سازوکار اسلامی در خارج، وظیفه‌ی آحاد جامعه‌ی اسلامی است. همه‌ی افراد موظفند برای عینیت یافتن نظام در خارج تلاش کنند. ولی مدیریت این کار بر عهده‌ی دولت اسلامی است. دولت مسئولیت دارد به گونه‌ای عمل کند و مردم را جهت دهد که مکتب و نظام اسلامی در هر زمینه‌ای عینیت خارجی پیدا کند. اختیاراتی که در ولایت فقیه برای دولت اسلامی قایل می‌شویم، برای تأمین همین هدف (یعنی اعمال مدیریت کلان در سطح جامعه) است.

تحقق نظام و سازوکار

- در بخش احکام دولتی یا به تعبیر دیگر احکام ولایی که در فقه اسلامی یک مفهوم شناخته شده‌ای است و در اصطلاح همان چیزی است که دولت برای عینیت بخشیدن به مثلاً سازوکار اقتصادی خاص از آنها بهره می‌گیرد، برخی احکام و قوانین مصوب از سوی دولت، احکام ثابت دین هستند. قوانین متفرع بر قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران مثالی برای این دسته احکام است.

تحقق نظام و سازوکار

- بخشی دیگر از قوانین و احکام مصوب توسط دولت، در شرایط خاص و برای رسیدن به اهدافی صورت می‌گیرد. این قوانین، که متغیر هستند، به سازوکار یعنی شرایط خاص مربوط می‌شوند. مثلاً در یک زمان دولت به این نتیجه می‌رسد که برای حمایت از تولید، از واردات برخی کالاها جلوگیری کند. با این که در نظام اسلامی، خرید و فروش آزاد است، اما دولت می‌تواند در شرایط خاص ورود کالا یا صدور آن را محدود نماید.

تحقق نظام و سازو کار

- نکته‌ای که باید تأکید کنیم این است که مشروعیت احکام ولایی حکومت اسلامی وقتی حاصل می‌شود که حاکم اسلامی شرایط معتبر در حکومت اسلامی را داشته باشد و رعایت مصلحت را (که یک معنای دقیق و وسیعی هم هست) بنماید. البته هم خود او باید مصلحت جامعه را رعایت کند و هم جهاز و ابزارهایی که زیر دست او هستند، باید مصلحت را به معنای وسیع کلمه رعایت نمایند. حال قوانینی که حاکم اسلامی وضع می‌کند، چه خود او شخصاً به قانون‌گذاری پردازد و چه جهاز و ابزارهای زیر دست او، ممکن است قوانینی درست و مطابق اهداف و مبانی اسلامی باشد و ممکن است خطا باشد.

تحقق نظام و سازوکار

- سئوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا اگر کسی یقین به خطا بودن این قوانین داشت، می تواند با آنها مخالفت کند؟ برای پاسخ به این سؤال باید به تفاوت بین احکام ولایی فقیه و فتاوی فقیه توجه داشته باشیم.

تحقق نظام و سازوکار

- اگر فقیه در مسئله‌ای فتوی دهد، ممکن است فتوای او مطابق واقع باشد و ممکن است مخالف واقع باشد. کسی که یقین دارد فتوای فقیه مخالف با واقع است، نمی‌تواند به آن عمل کند. زیرا فتوای فقیه اماریت دارد؛ اگر کسی یقین به بطلان آن فتوا داشت، فتوای فقیه برای او حجت نیست.
- اما در احکام ولایی این گونه نیست. حکم ولایی فقیهی که شرایط را داراست ولو خطا باشد، لازم الاجرا است. پس اگر کسی می‌داند که این حکم خطا است، حق مخالفت با او را ندارد.

تحقق نظام و سازوکار

- مقصود از مخالفت در اینجا، مخالفت عملی است. آحاد جامعه اسلامی نمی‌توانند عملاً با قانونی که به نظر آنها درست نیست، مخالفت کنند. واضح است اگر در همان زمینه‌ی قانونی کارشناس هم نباشند، اصلاً نظر و رأی آنها ارزشی ندارد. اما حتی اگر کارشناس هم باشند و در زمینه‌ی تخصصی آنها قانونی تصویب شود که به نظر آنها، قانون گذار فواید لازم برای قانون را تصور نکرده و چه بسا قانون ضرر هم دارد، باز حق مخالفت با قانون را ندارند.

تحقق نظام و سازوکار

- به عبارت دیگر مخالفت عملی با قوانینی که حکومت اسلامی با رعایت شرایط خودش وضع می‌کند، شرعاً جایز نیست ولو در نظر کسی، قانون کاملاً باطل باشد.

تحقق نظام و سازوکار

- علت این تفاوت آن است که در احکام ولایی اصلاً اماریت مطرح نیست. حجیت احکام ولایی به جهت کاشفیت نیست تا در صورت خطای در کشف، حجت نباشند. تبعیت از آنها به دلیل موضوعیت است.

تحقق نظام و سازوکار

- در دیدگاه قانون مدار اسلام، اگر جامعه بخواهد اداره شود، تنها راه اداره‌ی جامعه، ملزم بودن آحاد جامعه به عمل بر طبق قوانین است ولو در نظر عده‌ای از آنها، این قوانین درست نباشد. درست نبودن قانون در نظر شخص یا گروهی، مجوز مخالفت با آن نیست. یک کارشناس می‌تواند اطلاعات کارشناسی خویش را به قانون‌گذاران برساند و موارد خطای قانون و مضرات آن را توضیح دهد، اما در عمل باید به قانون ملتزم باشد.

تحقق نظام و سازوکار

- دولت جمهوری اسلامی خود برخاسته از قانون اساسی است، اما برخی قوانین متفرع، تصویب دولت هستند.